ماجراهای منع تریاک

پدیدآورده (ها) : نوایی،عبدالحسین
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1373 - شماره 16
از 16 تا 35
آدرس ثابت : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/98617

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 28/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

ماجراهای منع تریاک

دکتر عبدالحسین نوایی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

این تجارت شوم و این زراعت نکبت‌آور، چندان توسعه و نفوذ در طبقات مردم ایران یافت که صغیر و کبیر و برنا و پیر در دام تریاک اسیر افتادند و حتّی برای آرام کردن اطفال و خواباندن آنان، بدانها «کیف» می‌دادند یعنی مقداری تریاک به اندازهٔ ماش!

●

تریاک یا صورت عربی شدهٔ آن، «تریاق»، اصلاً به معنای «پادزهر» است، یعنی دارویی که برای جلوگیری از مسمومیّت به کار می‌رود، خواه مسمومیّت ناشی از خوردن داروهای زهرآگین، خواه مسمومیّتهای برخاسته از نیش حیوانات زهردار؛ چنان که شیخ شیراز، افصح المتکلّمین در گلستان می‌فرماید: «تا تریاق از عراق آرند، مار گزیده مرده باشد»[1]. اما آنچه امروزه از کلمهٔ تریاک مورد نظر است، همان مادّهٔ گیاهی گرفته از خشخاش است که در جهان پزشکی از آن به نام «اپیوم epium» یاد می‌شود و ما آن را افیون می‌نامیم. این کلمه در ادب فارسی نیز به صورت «افیون» و «هپیون[2]» آمده است؛ کما این که در دیوان ناصرخسرو می‌خوانیم:

«چه حال است این که مدهوشند یکسر
که پنداری که خوردستند هپیون»

و در جایی دیگر، باز همین ناصرخسرو علوی قبادیانی یا به اصطلاح تاریخی، «حجّت جزیرهٔ خراسان» می‌فرماید:

«ای خفته بر علوم فلاطونی
این تاج علمهای فلاطون است
آن فلسفه است و این سخن دینی
این شکر است و فلسفه هپیون است»

www.noormags.ir

امّا بیشتر این کلمه را به همان صورت برگرفته از یونانی، یعنی «افیون» به کار برده‌اند. در شرح حالات سلطان احمد جلایر، در کتاب «احسن التّواریخ» حسن بیک روملو می‌خوانیم:

«دماغی داشت از افیون مشوّش
از آن رو قول و فعلش بود ناخوش

به واسطهٔ مداومت بر افیون و غلبهٔ جنون، امرا و ارکان دولت را بی‌تقریب به قتل آوردی[۳].»

لسان الغیب، حافظ شیراز نیز می‌فرماید:

«از آن افیون که ساقی در می‌افکند
حریفان را نه سرماند و نه دستار»

امّا در تاریخ بیهقی، این مادّهٔ مخدّر را با همین نام «تریاک» به معنای «افیون» می‌بینیم؛ آنجا که سخن از شکست مسعود غزنوی در برابر ترکمانان سلجوقی است، یعنی جنگ دندانقان است بدین گونه: «از اتّفاق عجیب که نمی‌بایست طغرل گرفتار آید، آن بود که سلطان [مسعود] اندک تریاکی خورده بود و خواب ناتمام یافته، پس از نماز خفتن، در پشت پیل به خواب شد و پیلبانان چون بدانستند، زهره نداشتند پیل را به شتاب راندن و به گام خوش خوش می‌راندند و سلطان خفته بود تا نزدیک سحر و فرصت ضایع شد که اگر آن خواب نبودی سحرگاه بر سر طغرل بودی[۴]».

و بدین سخن، ظاهراً بیهقی به ظریفترین صورتی می‌خواهد بگوید که دولت غزنوی به شومی «اندک تریاکی» به پایان آمد و سلطان مسعود بر اثر خواب ناشی از تریاک، نتوانست طغرل را غافلگیر کند و در نتیجه در برابر دشمن هوشیار و بیدار، شکسته شد. امّا این سلطان مسعودی که بیهقی مجلس شرابش را وصف می‌کند که همهٔ مجلسیانش از مستی از پای درآمده بودند و او همچنان نشسته بود و شراب می‌خورد، مسلّماً کارش با اندک تریاکی نبوده بلکه تریاک بسیار بوده که بدن پیلواروی را چنین از پا درآورده بود.

باری از مطالب تاریخی و مباحث لغوی که بگذریم، یک نکته بروشنی نمودار می‌شود که در آن روزگار تریاک را می‌خوردند یا در شراب حل می‌کردند نه چونان امروز که تریاک را با وافور می‌کشند گو این که در سنوات اخیر، در هنگام تنگدستی، معتادان تریاک را می‌خوردند و نمی‌کشیدند که البته برای صرفه‌جوئی در «جنس» بود و احتراز از دم و دود که هم موجب برانگیختن همسایه است، هم باعث ایجاد سوءظن پلیس.

بنابراین خاصیّت تریاک را قدما خوب می‌دانستند و خواص آن را بدرستی می‌شناختند و به نظر می‌رسد که تریاک کهنترین مُسکّنی است که بشر به وجود آن پی برده است و مسلّماً از همان روزگار باستان، دانشمندان بر اسرار این مادّهٔ سحرآمیز ـ که در پزشکی بسیار سودمند و در بیرون از موازین طبّی خانمان برانداز و حتّی کشنده و زهرآگین است ـ وقوف یافته بودند.

نکتهٔ دیگر این که تا پیش از روزگار صفویان، مصرف تریاک به عنوان مخدّر و مکیّف، بسیار اندک بود و مصرف‌کنندگان از طبقات مرفّه بودند و بی‌غمان ثروتمند. تا این که بتدریج پای طبقات پائین‌تر جامعه به مصرف تریاک کشیده شد؛ چنان که «تاورنیه» در مورد شربت تریاک ـ که ظاهراً جوشاندهٔ پوست خشخاش بوده ـ می‌نویسد «کسانی که به قهوه‌خانه می‌رفتند، در وقت ورود، همه زرد و پریده رنگ و اخمو و زار و نزار بودند، امّا همین که جامی برمی‌گرفتند، شاد و شنگول می‌شدند و سرانجام در هنگام خروج، همه با لبهای گل انداخته و رخساره‌های خندان و قیافه‌های خوش و شاد و سرمست[۵].»

دقیقاً روشن نیست که از چه زمانی و به دست چه کسی، مصرف تریاک با وافور و چراغ و نگاری و امثال آن به ایران آمد، هر چه هست، این نوع مصرف، سوغات چین است که از راه هند به ایران رسیده است.

دقیقاً روشن نیست که از چه زمانی و به دست چه کسی، مصرف تریاک با وافور و چراغ و نگاری و امثال آن به ایران آمد، هر چه هست، این نوع مصرف، سوغات چین است که از راه هند به ایران رسیده است.

آنچه محقّق است که از اواخر صفویّه، بر گستردگی میزان مصرف آن افزوده شده است که این مبحث نیز نیازمند تحقیق دقیقتری است. امّا در هر حال می‌دانیم که در دورهٔ قاجاریّه، این گسترش دامنهٔ کشت و کثرت خیل مریدان صورت گرفته و آن هم در زمانی که دولت، به خیال خود برای تهیّهٔ مادّهٔ قابل صدور به خارج، دست به کشت تریاک زد!

می‌دانیم که از نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری قمری ـ که ایرانیان با اروپاییان حشر و نشر پیدا کردند ـ بی آن که به علم و هنر و دانش و بینش و کار مداوم و استقامت در پیشبرد اندیشه و صنعت و تمدّن غربیان بیندیشند ـ به ظواهر دلفریب فرنگ دل باختند و در لباس و غذا و اثاث البیت و خلاصه زرق و برق زندگی و مد، تقلید از فرنگی کردند و دیوانه‌وار، به محصولات و کالاهای فرنگ ـ نه آنچه لازم و ضروری بود بلکه آنچه دلفریب و ظاهرپسند بود، روی آوردند و دنبال بنجلهای فرنگی رفتند و سال به سال بر میزان این واردات بیحساب و کتاب افزوده شد، بی‌آن که در مقابل این همه واردات از مرزهای بی‌در و پیکر، چیزی

www.noormags.ir

داشته باشیم که صادر کنیم. سهل است که کارگاههای پارچه‌بافی ایران مثل مخمل کاشان و شال کرمان و ابریشم گیلان، در برابر سیل پارچه‌های فرنگی تعطیل شد و صنعت ملّی از میان رفت. برای آن که در برابر این واردات، جنس قابل صدوری داشته باشیم، دولت و ملّت به اندیشهٔ کشت تریاک افتادند[۶]؛ که هم محصولی کم‌زحمت و زود ثمر بود، هم مورد نیاز و رغبت اروپا ـ که از آن در جهت استفاده از خواصّ طبی‌اش سود می‌جستند.

بدین ترتیب بود که همه روی به تریاک آوردند و تجّار ایرانی در هنگ‌کنگ و شانگهای «حفیس» تریاکی[۷] «یعنی دفاتر خرید و فروش تریاک باز کردند[۸] و کوتاه سخن آن که به نوشتهٔ کرزن، در سال ۱۲۹۷، زراعت خشخاش توسعه یافت و مقدار تریاک در سال ۱۳۰۲ به د وازده هزار تن یعنی چهار میلیون من رسید، و در سال ۱۸۹۹ درآمد ایران از این محل به ۱/۹۰۰/۰۰۰ تومان رسید؛ در حالی که کلّ صادرات ایران، ۷/۴۰۰/۰۰۰ تومان بوده[۹] و این تجارت شوم و این زراعت نکبت‌آور، چندان توسعه و نفوذ در طبقات مردم ایران یافت که صغیر و کبیر و برنا و پیر در دام تریاک اسیر افتادند و حتّی برای آرام کردن اطفال و خواباندن آنان، بدانها «کیف» می‌دادند یعنی مقداری تریاک به اندازهٔ ماش!

این وضع همچنان ادامه یافت تا این که در سال ۱۳۰۷ هـ . ش، تازه دولتِ وقت به صرافت افتاد که باید برای نجات مردم دست به کاری زند و از توسعهٔ این امر جلوگیری کند؛ چنین بود که قانون انحصار تریاک از مجلس گذشت.

البته نباید تصور کرد که دولت برای نجات مردم از چنگ اعتیاد به موادّ مخدّر، دست به چنین کاری زد. بلکه نظر دولت در طرح این لایحه، گرفتن تجارت تریاک از

تریاک یا صورت عربی شدهٔ آن، «تریاق»، اصلاً به معنای «پادزهر» است، یعنی دارویی که برای جلوگیری از مسمومیّت به کار می‌رود، خواه مسمومیّت ناشی از خوردن داروهای زهرآگین، خواه مسمومیّتهای برخاسته از نیش حیوانات زهردار؛

دست تجّار داخلی بود برای تقویت بنیهٔ مالی خود. به این معنی که چون تریاک ایران از لحاظ اشتمال بر میزان مرفین بیشتر، نسبت به تریاک ترکیّه یا افغان، مشتریان نقد و پابرجایی داشت؛ دولت می‌خواست که عواید آن منحصراً به مالیه دولت اختصاص یابد؛ کما این که چندی بعد، موضوع انحصار دخانیات پیش آمد و کلیّهٔ کسانی که به صورت صنعت خصوصی سیگار تهیّه می‌کردند ـ چون پای رقابت در میان بود، هر شرکتی سعی می‌کرد که سیگارهای بهتری عرضه کند و سیگار زهره و سیگار نکونی، متناسب مرغوبیّت خود، شهرتی کسب کرده بودند ـ مجبور شدند که کار سیگار را رها کنند و به دست دولت سپارند؛ و این کار نه برای جلوگیری از اشاعهٔ سیگار بلکه اخذ کلیّهٔ عواید حاصل از ساخت و توزیع فروش سیگار بود. چنان که دولت انواع و اقسام سیگارهای بی‌کیفیت و نامرغوب به بازار عرضه کرد که بعضی از آنها مثل «فومن» و «اشنو» چنان تند و بدبو و سختکش بود که مردم، بحق، آنها را به شوخی «دیزلی» می‌گفتند یعنی دارندهٔ دودی به تندی و بدبویی دود کامیونهای دیزلی.

از مادّهٔ اول این قانون، نظر دولت در مورد استفادهٔ منحصر از تجارت تریاک روشن می‌شود:

ماده ۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون، کلیّهٔ معاملات و نگاهداری و انبار کردن و تیاری کردن و حمل و نقل و صدور تریاک و شیرهٔ و چونه، اعم از مصرف داخلی یا خارجی منحصر به دولت است این انحصار موسوم به «انحصار دولتی تریاک» خواهد بود.

امّا موقع طرح این مادّه، عدّه‌ای از وکلا، من جمله تقی زاده، پیشنهادهایی در مورد تقلیل تدریجی مصرف تریاک داخله دادند که در نهایت به ریشه کن کردن مصرف و جلوگیری از اعتیاد بیشتر می‌انجامید و وزیر دارایی در کل، آنها را پذیرفت ولی اظهار داشت که مجموع نظرات وکلای مجلس را به صورت مادّه‌ای جداگانه (نه همراه مادهٔ اول) در قانون خواهد گنجاند و در نتیجه، مادّهٔ ۱۵ قانون مزبور، بدین صورت طرح و تصویب شد:

مادّهٔ ۱۵ ـ دولت مکلّف است از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال، وسایل ترک استعمال تریاک را در داخلهٔ مملکت (طبیب و دوای مجّانی) در دسترس معتادین فراهم نموده و اعتبارات لازمهٔ اجرای این منظور را به مجلس ملّی پیشنهاد نماید و مصرف داخلی را از ۱۳۰۸، در هر سال، یک عشر کسر کند تا این که در انقضای مدّت مزبوره، استعمال تریاک در غیر موارد طبّی، در تمام مملکت متروک و ممنوع گردیده و فروش تریاک در موارد طبّی به موجب نسخهٔ طبیب به عمل آید.

تبصره ـ مؤسسهٔ انحصاری برای ورود تریاک از خارجه، هیچ اجازه نخواهد داد مگر آن که اطمینان حاصل نماید که به مصرف داخلی نخواهد رسید.

این قانون، در سه‌شنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ به تصویب رسید و شروع مذاکرات مجلس و متن پیشنهادهای نمایندگان در روزنامهٔ اطّلاعات، بتفصیل آمده است.

امّا کدام معتادی است که به یک سخن

www.noormags.ir

دولت دیگر دست بدین کار نزند. مردمی که نزدیک یک قرن، بدین مادّهٔ خطرناک، آلوده شده بودند و گاه از آغاز کودکی ناخواسته در کنار منقل وافور یا چراغ شیره و نگاری پدر یا مادر یا هر دو نشسته و از طفولیّت با بوی تریاک خو گرفته بودند، چگونه می‌توانستند به محض آن که قانون انحصار تریاک از مجلس گذشت، اعتیاد خود را رها کنند، آن هم بدون داشتن حداقل بیمارستان و دوا و دکتر و تبلیغات صحیح و تعلیمات کافی. از اینها گذشته، از لحاظ گردش کار هم دشواریهای فراوان پیش آمد که در هنگام وضع قانون، اصلاً بدان نیندیشده بودند یا بدان بها نداده و از آن سر به آسانی گذشته بودند؛ بدین ترتیب:

۱ ـ جمعی از تجّار، از پیش، یعنی، از ماهها قبل از تصویب قانون، سفارشهایی قبول کرده بودند و می‌بایست در مدّت معیّن، به تعهّد خود وفا می‌کردند و جنس را در موقع تحویل می‌دادند، ولی پس از تصویب قانون، دیگر دستشان بسته مانده بود و نمی‌توانستند اقدامی کنند. درست است که در قانون مقرّر شده بود، جواز بدهند به چنین افرادی، امّا مقرّرات آن قدر دست و پاگیر و جواز گرفتن به حدّی سخت و وقتگیر بود که تجّار نمی‌توانستند بموقع تعهّد خود را در مقابل مشتریان خارجی خود به انجام برسانند. گو این که گرفتن جواز هم ساده نبود و بیمایه فطیر می‌نمود، می‌بایست همه جا سبیل مقامات چرب و خر کریم نعل می‌شد و این خود تکلیف و تحمیل تازه‌ای بود برای تاجر که چون پیش‌بینی نکرده بود، می‌بایست از جیب خود می‌داد و نمی‌شد گوش مشتری را ببرد.

۲ ـ مردمی که به این سمّ جانسوز معتاد شده بودند و تا دیروز همه نوع تریاک در صورتهای مختلف «لول» و «چونه» و «سوهان» و «حبّه» مالیده و نمالیده، در دسترس داشتند، نمی‌توانستند گرفتن جیرهٔ روزانه را تحمّل کنند، آن هم جیرهٔ مختصری که روزی به دست می‌آمد و روزی نمی‌آمد! لاجرم اینان به آه و ناله پرداختند و با عریضه و شکوائیه از بخت بد و تنگی معاش، «عارض» شدند و در خانهٔ میر و وزیر و سلطان رفتند و دست به دعا و نفرین برداشتند.

چون تریاک ایران از لحاظ اشتمال بر میزان مرفین بیشتر، نسبت به تریاک ترکیّه یا افغان، مشتریان نقد و پابرجایی داشت؛ دولت می‌خواست که عواید آن منحصراً به مالیه دولت اختصاص یابد؛ کما این که چندی بعد، موضوع انحصار دخانیات پیش آمد

۳ ـ در قانون پیش‌بینی شده بود که اگر معتادین، در مهلت مقرّر، ترک اعتیاد نکردند ـ که هیچکس نکرد ـ جریمه نقدی شوند و اگر جریمه را نپرداختند به زندان افتند؛ یعنی پلیس آنان را جلب کند و به زندان ببرد و تحویل بدهد. امّا نه جایی در ادارات نظمیّه (شهربانی) برای این زندانیان انبوه جدید داشتند نه بودجه‌ای برای شام و ناهار آنان منظور شده بود، نه شمار پلیس برای جلب این «زندانیان اعتیاد» کفایت می‌کرد.

۴ ـ بر اثر کشت مداوم و توسعهٔ روزافزون تریاک و تفنّن افراد در استعمال موادّ مخدّر برحسب ذوق و سلیقهٔ خود، مصرف این مادّه به صورت کشیدن و خوردن، در اشکال مختلف وافور، نگاری، چراغ؛ مشاغلی نکبت‌بار پدید آمده بود مثل زارع و تیغزن و تریاک مال و شیره پز و ساقی و تریاک گیر و خانه‌دار و قهوه‌چی و خرده فروش و تاجر؛ و جمیع کثیری در این راه کار می‌کردند و خانواده‌های فراوانی از این قبل نان می‌خوردند، و بدیهی است که با تصویب قانون، همه این افراد، کار خود را ـ هر چند که شایسته و محترم نبود ـ از دست می‌دادند و در نتیجه، زنان و فرزندان آنان گرسنه و بی‌لباس و بلکه بیخانه و خانمان می‌ماندند و چون کاری دیگر نداشتند و حرفه‌ای نمی‌دانستند، به تلاش و تکاپو و نامه پراکنی افتادند و عرصه را بر دولت و دولتیان تنگ کردند و بسیاری از آنان، دست به گدایی یا دزدی زدند و جمع آوری این گدایان و دزدان، خود شکل تازه و عمده‌ای شد که بلدیّه (شهرداری) و وزارت داخله (کشور) از فیصلهٔ کار آنان، عاجز ماندند.

اینها و بسیاری از مشکلات دیگر موجب شد که امر انحصار و تقلیل و تحدید و منع تریاک و موادّ مشتق از آن به جایی نرسد و دولتها برای تحقّق این امر، بناچار، هر چند سال یک بار، دست به تغییراتی در قانون از لحاظ مقدار جیرهٔ تریاک و مهلت و مجازات دست می‌زدند امّا با هر تغییری، اشکالاتی تازه پیدا می‌شد و سر و صداهای تازه‌تر؛ و این قصهٔ پرغصه، سالیان دراز ادامه یافت تا این که در انقلاب اسلامی، به صورتی قاطع با امر تریاک و مشتقاتش برخورد شد و با فراهم آوردن وسایل لازم از قبیل درمانگاه و بیمارستان و دکتر و دارو و با کمک گرفتن از روانشناسان و جامعه‌شناسان و مددکاران، به قطع کشت خشخاش و معالجهٔ بیماران همراه با پیگیری، بدین امر پایان داده شد، خدا یارشان باد.

اسنادی که در ذیل می‌آید، اسناد گوناگونی است مربوط به مراحل مختلف و چگونگی برخورد مردم و مسئولین. سندی هم بر آن افزودیم، در خصوص طرح مسئلهٔ تریاک در کنفرانسهای بین المللی و نظر دولت ایران در مورد طرح این مطلب، و سندی هم راجع به محاسبهٔ عشور یعنی نگهدارندگان حساب درآمد دولت از مقدار جنس (تریاک) زارع.

www.noormags.ir

۲۵ [illegible] ۴۹ از تبریز

مقام منیع است وزرای عظام دارالخلافه

محرماً بعرض می‌رساند از موضوع انحصار تریاک به بنگفروش از بابت رفتن حقوق چندین هزار تومان که وارد و سته آنرا از داخله مملکت داشته

و اقرار می‌کنند و تریاک برجوده که کران خرید دارند قبل از اسطراط ضبط شده تا کنون موجود است بفروش نرسیده بخزانه کل مملکت

و اینک از خلیفه‌ها عرض حال بعضی اسطراط ایالت جلیله محترم شرح جواب تلگرافی در کتمت ۱۰۵۱۹ رسیده که کسانی که تریاک موجود

دارند می‌توانند از اداره انحصار جواز صادر و تریاک خود را خارج نمایند که خسارت بقیمت وارد نشود از اداره انحصار تبریز

تقاضای جهت اجازه طیاری چونه و صدور جواز کرده‌اند اشعار نمودند اجازه صدور جواز به احدی داده نمی‌شود و طیاری چونه هم

هر کسی باید باشد باید از مرکز ایالتی بعمل آید خیلی اسباب تأسف گردیده با این حالت کسانی که عمده مرتب و تجارت

تمام مملکت را فرا گرفته و یک قلم عمده صادرات منحصر به بنگفروش شده خوب است تفضلاً چاره برای تریاک

برجوده فرموده و اجازه صدور بخارجه صادر که تا برجوده به طرف برسانیم بدانکه در موضوع طیاری چونه

رئیس انحصار تبریز اشعار میدارد در عمل بنیت طبق مقررات باید در مرکز ایالتی بعمل آید خیلی جای تعجب است

که بر علیه منافع عمومی اقدام فرمایند چگونه ممکن است مالی که باید به اصفهان یزد از حاصل نقد هم فرسخ از سردار سپه هم نقد

هم فرسخ برداشت کسری پیشه کرایه و عوارضات دیگر تحمیل میشود سابقاً این طور نبود در صورتیکه در ممالک

یا مرکز ایالتی تحت نظر رئیس انحصار بعمل می‌آید چه فرقی دارد و تحمیلات بی‌اورد است با اینکه مشیر محترم

دولت مساعی لازمه بکار می‌برند اسکناس از منبع داخله مناسب تمام نقد به بازار نمای خارجه صرف نماید بصورتیکه

این عدم اجازه طیاری چونه در عین خلاف نظریات دولت محترم امروزه است تنها میشود از مشیر محترم

جواب مساعدی در جلب رفاه و رفع خسارت دارندگان تریاک باشد بفرمایند که از خرد و خسارت [illegible]

انحصار [illegible] تبریز

www.noormags.ir

وزارت مالیه

مؤسسه انحصار دولتی تریاک

مراسله مؤسسه کل نمره ۲۴۹۷۵ مورخه ۱۴۰۹/۹/۱۸ وزارت / اداره که اصل آن بنمرهٔ ..... ثبت شد

نمره ۳۷۰۰۳ وزارت مالیه

شرکت سعادت و سایر آقایان تجار تریاک مشهد

در جواب تلگراف مورخه ۱۰ آذر آقایان دائر بتقاضای اجازه خروج تریاک چونکه بحال صدور بخارجه تهیه نموده‌اند اشعار میدارد
که اولاً معاملات شیره و چونه در داخله مملکت آزاد و هیچگونه اجباری بفروش بشخص معین نیست و در موقع انعقاد قرارداد
نه تنها آقایان تجار مشهد بلکه سایر آقایان تجار مملکت نیز دارای موجودی چونه بوده که اگر معاملات سلفی داشته‌اند از تاریخ
نشر اعلان تا ۱۵ روز اسناد و مدارک معامله را بانحصار کل برای ارسال بمرکز و تصدیق صحت معامله و اجازه صدور تحویل
داده‌اند بنابراین اگر شما هم اسنادی داده باشید البته پس از رسیدگی بشما جواز داده میشود والا در انجام تقاضای برخلاف
اعلان معذور است و اینکه اظهار کرده‌اند معاملات تریاک آنحدود طوری نیست که مبادله قرارداد شود البته
در صورتیکه مبادله قرارداد نشده ایجاد تعهدی هم از حیث معاملات سلفی برای شما نشده است و اگر برای تیاری
چونه مخارجی کرده‌اید از بین نرفته و بر قیمت جنس شما افزوده شده است و هیچگونه خسارتی متوجه شما نخواهد شد
و آنگهی برای صدور هم میتوانید با آقای حاج امین عادل انحصاری صدور تریاک بخارجه مراجعه و در حدود مقررات و تعهدات
ایشان وسایل خروج تریاک را فراهم نمائید. وزارت مالیه

اسماعیل سیاح

سواد مطابق اصل است

[illegible] انواری

۱۳۰۹/۱۰/۲۷

www.noormags.ir

بوشهر بتاریخ ۲۴ ابان ۱۳۰۷

عریضه بخاکپای جواهر آسای اعلیحضرت شهریاری ارواحنا فداه

باکمال ادب و احترام معروض میداریم تجارتخانه‌های چاکران قبل از تصویب قانون انحصار تریاک هرکدام مقداری تریاک بانحصار خارجه معامله و کنترات نموده‌ایم و پس از تصویب قانون انحصار دو نفر از رؤسای تجارتخانه برای ارائه اسناد و کنترات‌ها بطهران آمدند و در همان اوقات بخاکپای مبارک تشرف حاصل نمودند مراحم ملوکانه واقع گردیدند تا کنون که قریب چهار ماه است در طهران هستند و علاوه از اینکه از بنوان آنها در بوشهر خسارت زیادی به تجارتخانه‌های چاکران وارد آمده هنوز از طرف وزارت جلیله مالیه جواز معافی به آنها داده نشده و همین قسم در طهران معطل هستند مرتبه انحصار با تحقیقات کامل تصدیق بصحت معاملات نموده است ولی وزارت جلیله مالیه جواز نداده و معاملات چاکران در چهار دقیقه موجب خسارت غیرقابل تحمل شده است - از اعلیحضرت همایونی که یگانه پدر تاجدار همه ما هستند دقیقه‌ای از رعیت پروری غفلت نمیفرمایند استدعای چاکران این است که امر ملوکانه صادر فرمایند که وزارت مالیه زیاده بر این آنها را در طهران معطل نموده و جواز صادر فرماید - چاکران در این معاملات که نموده‌ایم فقط سبع جزئی در صد و حق العمل معمولی تجارتی منظور داشته‌ایم و تا کنون صندوقی یکصد و پنجاه تومان هم بپرداخته‌ایم و چنانچه بنا شود که تا کس جدید صندوقی پنجاه تومان بر معاملاتی که سابق کرده‌ایم تحمیل شود گذشته از اینکه جزئی فایده که عاید میشود از بین میرود خسارت هنگفتی متوجه این چاکران میگردد و یقین داریم اعلیحضرت همایونی راضی نخواهد بود که یک عده تاجر که در جائی شریک بوشهر زحمت میکشند و موجبات صدور مال التجاره ایران را فراهم و عایدات خزانه دولت را زیاد میکنند ضرر و خسارت وارد شود چاکران هیچ پناهی جز ذات اقدس همایونی نداریم و انتظار مراحم ملوکانه را داریم - ظل عاطفت خسروانه بر مفارق انام مستدام و لایزال باد

چاکران

۲۲-۱۰-۷

وزارت کل تجارت

۱۰/۱۲ ۱۳۰۷

۴۵۴۵

تعرفه

رشته انحصار تریاک

۷/۱۰/۲۲

کمیته مختلط وزارت

۲۸/۹/۷

ALI & HAJI MOHAMMED BAKIR BEHBEHANI
BUSHIRE
BUSHIRE & SUSHIRE

www.noormags.ir

وزارت مالیه

بتاریخ ۲/۱۱ ماه ۱۳۰۹
نمره ۴۰۰۴۳ ضمیمه
موضوع

اداره تریاک
دایره

مقام منیع ریاست وزراء عظام

درجواب مرقومه نمره ۶۷۷۲ = ۲، ۱۰، ۰۹ متضمن مشروحه تجار سبزوار راجع بعدم صدور جواز و اجازه تیاری خاطر محترم را مستحضر میدارد .

۱ = راجع بعدم صدور جواز سواد مراسلهٔ که بنمره ۲۷۰۰۲ = ۱۸، ۹، ۰۹ به تجار خراسان صادر شده برای مزید استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم میدارد .

۲ = نسبت بقسمت عدم اجازه تیاری با اینکه رئیس انحصار خراسان که بمرخصی بطهران امده اظهار مینماید اجازه تیاری در سبزوار داده شده معذلک مراتب از انحصار دولتی تریاک خراسان استعلام شد پس از وصول جواب چگونگی قضیه را معروض خواهد داشت در خاتمه عین عرضحال اقایان تجار سبزوار را نیز اعاده میدهد .

۲۱

۹/۱۱/۵
نفر

۹/۱۱/۳
۷۵۶۸

۹/۱۱/۲

وزارت مالیه

بتاریخ ۵ ماه ۹ سنه ۱۳۰۷
نمره ۴۶۷۴۴ ضمیمه
موضوع

اداره کابینه
دایره

مقام منیع ریاست وزراء عظام

مرقومه محترمه نمره (۵۳۱۸) راجع باقایان حاج سید ابوالقاسم کازرونی وحاج محمد رضای بهبهانی موضوع معامله تریاک ومعطلی انها شرف وصول داد جوابا خاطر محترم را مستحضر میدارد که موسسه انحصار تریاک مدتی است نسبت بتقاضای اقایان اظهار عقیده وموافقت کرده است واینجانب استحضار همت محترم دولت را در این موضوع لازم دانسته وعلت تاخیر همین بوده است .

۷/۹/۵

۷/۹/۵
۵۷۳۲

www.noormags.ir

نمرهٔ ۱ **آستان مقدّس اعلی حضرت همایونی**

۲ شهر شوّال المکرم ۱۳۴۴ **شاهنشاه اسلام پناه ارواحنافداه**

چاکر محمّد جواد تاجریزدی مدت شش سال است به واسطهٔ نرسیدن جواز ده من تریاک از موجودی انبار تحدید، مال جان نثار که سر مهر و پلمب ادارات گمرک و تحدید بوده و توسط پست دولتی حمل شده و خروج آن را هم جمعی از رؤسای دوائر و اجزای ایشان تصدیق نموده‌اند، از غرض هادی خان مفتش خراسان گرفتار ظلم تحدید هستم. تازه دو روز است به نظمیّه محبوس و مریض. چون شرح و تفصیل طولانی است استدعا از خاکپای مبارک دارم اجازه دهید عدلیّه یا رؤسای دوایر مجتمعا رسیدگی کرده چاکر را از این مهلکه خلاص نمایند تا به آسودگی مشغول دعاگویی ذات مقدس همایون بوده باشم.

چاکر جان نثار محمدجواد تبریزی تاجر

مهر: محمّدجواد

شیر و خورشید **به تاریخ ۲۹ برج ۵ سنه ۵**

وزارت مالیه **نمره ۱۰۳۳۳ ضمیمه اوراق**

ادارهٔ عایدات

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام

تعقیب معروضهٔ نمره ۸۷۶۱/۹۶۷۹ مورخه ۲۵ تیرماه و در جواب شکایت واصله از آقا محمدجواد و حاج علی اصغر یزدی توسط آقای طوسی که به نمره ۴۴۹۳ برای اقدام به این وزارت خانه ارجاع شده با اعادهٔ اوراق عرض حال خاطر مبارک را قرین استحضار می‌دارد که مطابق راپرت واصله از ادارهٔ مالیهٔ ایالت خراسان، حاجی محمدجواد در دلو ۱۲۹۸ مطابق مقررات نظامنامهٔ تحدید برای مقداری تریاک که جواز برای حمل به خارجه صادر نموده سند وجه الضمانه به مبلغ ۶۷۰۰ قران به ادارهٔ مالیه سپرده که پس از خروج تریاک و تصدیق رئیس گمرک سرحد جواز تصدیق شده را به ادارهٔ مالیه تسلیم و سند وجه الضمانه را مسترد دارد. اما مطابق کشفیات مأمورین گمرک، مشارالیه به جای تریاک مقداری سنگ آلوده به قراقروت خارج کرده که در نتیجهٔ تعقیب و تفتیش سواران تحدید و گمرک عین سنگها را که در زیر ظرف پنهان کرده بوده‌اند بیرون آورده و پس از تحقیقات از مشارالیه، رئیس گمرک به واسطه عدم خروج تریاک و مصرف شدن در داخله به‌طور قاچاق، از تصدیق جواز خودداری و اینک مطابق ماده ۷ نظامنامهٔ تحدید مطالبهٔ وجه الضمانه می‌شود و چون مشارالیه فراری و برای تأدیهٔ دین خود حاضر نمی‌شده است ادارهٔ مالیهٔ محل مال الاجاره یک باب خانهٔ او را توقیف نموده که حاضر شود عمل را تصفیه نماید. اینک حاجی علی اصغر برادر مشارالیه مدعی است که خانه متعلق به او و راجع به آقا محمدجواد نیست. لکن تاکنون مدارک و اسناد مثبتی در صحت ادعا و اثبات مالکیت خود ارائه نداده است. مستدعی است مقرر فرمایند اسناد مالکیت خود را در ادارهٔ مالیهٔ ایالت خراسان برده ارائه دهد. در صورتی که ثابت نماید خانه ملک مشارالیه است البته رفع توقیف خواهد شد.

مهر: وزارت مالیه

مواد شرح فوق در جواب مراسلهٔ آقای طوسی ارسال شود ۳۰ ـ ۵ ۵/۶/۱۶

فی ۳ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۵ **اداره عایدات دائرهٔ وصول**

۵/۹/۲۷ ۵/۹/۲۷

۳۸۸۸۷

به خاکپای جواهر آسای اعلی حضرت قدر قدرت قوی شوکت همایونی ارواحنافداه

میرزاجواد محاسب عشور[1]

معروض می‌دارد چون از طرف ذات مقدس ملوکانه به تمام ابوابجمعی ایران اعلام شده که هر کس شکایات

www.noormags.ir

یا تظلمی دید، از اعضاء اداره‌جات به وسیلهٔ پست مقرره شما عرض حال خودش بدهد جداً رسیدگی می‌شود برحسب آن اعلام منتشره که موجب خورسندی عموم ملت ایران گردیده اکنون این بندهٔ حقیر فقیر میرزا جواد فسائی لازمهٔ خودم دیدم که عرض حالم کماکان به خاکپای جواهرآسای آن ذات مقدس برسانم. تقریباً چهل سال متمادی پدرم و خودم محاسب عشور[۲] تریاک فسا بودیم. در این مدت انواع خدمت به دولت نموده عشور یک من سی شاهی به یک تومان منتهی نموده یک من دویست دینار از محل عشور محض مدد معاش عدهٔ بیچاره سالها مقرر و رعایت می‌شده حضرت آقای قوام یا آقای ذوالقدر هم کاملاً اطلاع دارند. امساله هم امورات [؟] و هم حقوق معینه در این موقع به واسطهٔ عدم بضاعت و عرصه تنگی ناچار شده که درخواست از مصدر جلال و ذات مقدس ملوکانه ارواحنافداه نموده که امر و مقرر شود این یک من یک عباسی حقوق چندین سالهٔ ادارهٔ مالیه مبذول فرمایند که در این زمستان سیاه تلف نشویم. حمد خدا را از حسن نیت و بروز عقاید حقهٔ آن ذات پاک فطرت سرتاسر مملکت عموماً در رفاه و آسایش هستند، این بندهٔ ضعیف حقیر فقیر هم از مراحم ملوکانه راحت شوم.»

نکتهٔ جالب توجه آن که نویسندهٔ نامه از روی ادب، به رسم گذشتگان نام خود را در زیر سطر اول نامه نوشته است نه این که امضا کرده باشد که «خود را بزرگ دیدن» تلقی می‌شده. محاسب عشور به معنای نگه دارندهٔ عشور یعنی در یک دولت از مقدار تریاک زارع است. این محاسبین اندک درآمدی از این کار داشته‌اند کما این که نویسندهٔ این نامه و پدرش که از تریاک منی سی شاهی تا منی یک تومان در این خدمت بوده‌اند در پایان کار منی چهارشاهی (یک عباسی) درآمد داشته‌اند. غرض از قوام همان قوام شیرازی میرزا ابراهیم خان است که قبلاً نصرالدوله لقب داشته و پسر میرزا حبیب الله خان است. ابراهیم خان پنجمین قوام (قوام الدوله) شیرازی است که پدر نخستین شوهر اشرف خواهر شاه سابق بود و سناتور و اما ذوالقدر همان شیخ محمد تقی ذوالقدر وکیل فارس است که شایع بود زیادی به جهتی از جهات تیمور تاش هر دوره او را از فارس وکالت می‌بخشد

شیر و خورشید

ریاست وزرا

نمرهٔ عمومی ۹۰۴۸ **مسئول پاکنویس فتحی**

کارتن ۱۶ **تاریخ ثبت ۵ برج بهمن ۱۳۰۶**

بلدیهٔ طهران

عرض حال صنف قهوه‌چی راجع به شکایات از تضییقات مأمورین بلدیه در مسئله منع استعمال تریاک لفاً ارسال شد. اصولاً تصدیق دارم که باید تدابیری اندیشید که استعمال تریاک در مملکت تدریجاً تقلیل بشود و بلکه به مرور ایام این عادت مضر و مهلک از این کشور رخت بربندد. لیکن انجام این منظور تدریجی الوصول است و باید با تطبیق مقتضیات و مراعاتهای لازمه از معتادین و همچنین ملاحظهٔ حال صنفی که از این راهها اعاشه می‌کنند باشد. بنابراین قدغن نمایید تسهیلاتی در کار تقاضای صنف قهوه‌چی به عمل آورند که به طرز معیشت آنها هم سکته وارد نشده و مجبور به ترک کسب و بیکاری نشود.

۲۸/۱۰/۶

امضاء (ظاهراً همایون سیاح)

متأسفانه «عرض حال صنف قهوه‌چی را» نیافتیم هرچند که می‌توان حدس زد. زیرا در قهوه‌خانه هم تریاک فروخته می‌شد هم کشیده می‌شد. بدین معنی که وسائل کار از منقل و وافور و سیخ و انبر و تریاک موجود بوده و مانع مفقود و چای هم که فصل به فصل می‌رسید. بدین ترتیب عوائد قهوه‌خانه‌ها از این راه تأمین می‌شد و الا چای تنها کمتر می‌خوردند و بالنتیجه قهوه‌خانه عایدی چشمگیری که بتواند قهوه‌چی و شاگردش را بچرخاند نداشت. بنابراین مقدمات می‌توان حدس زد که عرض حال قهوه‌چیان گله از جمع شدن بساط منقل و سختی زندگی و تنگی معیشت قهوه‌خانه‌داران در شرایط «بی‌منقلی» و استدعای مهلتی دیگر بوده که ازین ستون به آن ستون فرج است. نامه هم لابد با خط خوش و انشاء خوب بوده زیرا عنوان نامه که در دست است با خطی خوش

www.noormags.ir

نوشته شده با کلماتی در حد اعلا محترمانه و حتی تملق آمیز بدین گونه که در مقام منیع و موقع رفیع کارگذاران (کارگزاران) هیئت معظم وزرای عظام دامت عظمتهم العالی شرف افتتاح پزیرد (پذیرد).

آرم بلدیه

بلدیهٔ تهران **مورخه ۱۷ بهمن ۱۳۰۶**

۱۰۵۸۷ **ضمیمه یک**

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت عظمته

در جواب دستخط ۹۰۴۸ متضمن عرض حال صنف قهوه‌چی در خصوص منع استعمال تریاک با نهایت احترام معروض می‌دارد که به طوری که حضرت اشرف مستحضر است کشیدن تریاک و اعتیاد به این سم مهلک خانمان برانداز از مدتها قبل بین طبقات مختلفهٔ اهالی این مملکت شیوع کامل پیدا نموده چنانچه از طرف اولیای محترم امور اقدامات فوری جدی دربرانداختن این عادت مذمومه نشود عن قریب عموم اهالی را مبتلا نموده و عواقب وخیم آن که عبارت از فقر و فاقه و امراض گوناگون و تکدی و تنبلی و غیره است در سراسر مملکت شایع خواهد بود. نظر به این مراتب، بلدیهٔ تهران بنابر پیشنهاد ادارهٔ صحّیه و معاونت عمومی که همواره در صدد ترویج حفظ‌الصحهٔ عمومی و نجات دادن اهالی از چنگال امراض مختلفه است در مقام جلوگیری از شیوع استعمال این سم مهلک برآمده مقدمةً در سه سال قبل پیشنهادی تهیه نموده است که از لحاظ حفظ‌الصّحهٔ عمومی و شئون ملی بدواً از کشیدن وافور در قهوه‌خانه‌ها و امکنه عمومی جلوگیری به عمل آید تا بعد با مساعدت مخصوصهٔ اولیای محترم دولت اقدام اساسی در منع استعمال تریاک به عمل آید. پیشنهاد مذکور در تاریخ میزان ۱۳۰۳ از طرف بلدیه تقدیم مقام منیع ریاست وزرای وقت شده و به تصویب بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه رسیده است و همان طور که مرقوم فرموده بودند من باب رعایت حال معتادین و داشتن مهلت و فرصت جهت ترک آن توسط این مؤسسه به وسیلهٔ اعلان در تاریخ اول خرداد ۱۳۰۴ شرحی به عموم معتادین اخطار مدت نه ماه مهلت داده شد که در عرض مهلت مذکور این عادت را متروک دارند. ضمناً برای رعایت حال معتادین و خلاص نمودن آنها از این عادت حّب ترک تریاک مؤثری از طرف صحیهٔ بلدیه تهیه شد که در تحت نظر اطبای صحی ما دستورات لازمه مجاناً به تقاضاکنندگان تسلیم گردید و فعلاً هم هر کس مراجعه نماید از حب‌های مذکور مجاناً داده می‌شود. ولی در نتیجهٔ تقاضای مکررهٔ قهوه‌چیان و معتادین به جای سه ماه قریب به دو سال اجرای این امر به عهدهٔ تعویق ماند تا اول هذه السنه که به طور نزاکت شروع به اقدام شده است. با توجه به عرایض فوق تصدیق خواهند فرمود که بیش از حد لزوم برای اجرای این امر از طرف بلدیه مساعدت و رعایت شده و تقاضای صنف قهوه‌چی دایر به تمدید مهلت بی‌مورد و نتیجه نخواهد داشت غیر از تولید معتادین و بدبختان جدید و عقیدهٔ جماعت مذکوره این است که در مقابل روزی دوقران فایده خانواده و عائله‌ای را بیچارهٔ فقیر، مریض و سرگردان نمایند.

در خاتمه من باب مزید استحضار خاطر محترم معروض می‌دارد مابین یک هزار الی یک هزار و پانصد نفر فقرا که در این چند ساله هنگام زمستان از طرف بلدیه جمع آوری شده‌اند بیش از سه ربع عدهٔ آنها معتاد به استعمال تریاک و شیرهٔ تریاک و سایر مشتقات آن بوده‌اند و عموماً در اثر ابتلای به این سم از شغل و کاسبی خود بازمانده مشغول تکدی و ولگردی شده بودند. در این صورت مستدعی است امر و مقرر فرمایند در جواب عرض حال مذکور به جماعت قهوه‌چی شدیداً اخطار شود که باید با کمال جدیت از مصرف تریاک در قهوه‌خانه‌های خود و سایر امکنهٔ عمومی جلوگیری نمایند و این مسئله ابداً ارتباطی با کسب آنها نخواهد داشت و از طرف بلدیه نیز تاکنون جلوگیری از کسب احدی نشده است. بلدیهٔ طهران مترصد و آرزومند است که از طرف اولیای محترم امور در سایر شهرهای ایران نیز اقدام در جلوگیری از استعمال تریاک به عمل آید.

۵/۱۱/۰۹

در جواب عریضه قهوه‌چی‌ها به همین قسم اخطار شود.

www.noormags.ir

شیر و خورشید
ریاست وزرا
تاریخ تحریر ۲۲ برج بهمن ماه　　تاریخ پاکنویس　　تاریخ ثبت ۲۲ برج بهمن ۱۳۰۶
آقایان صنف قهوه‌چی

در جواب عریضهٔ شما در خصوص منع استعمال تریاک از طرف بلدیه اشعار می‌دارد که شرح لازم به بلدیه نگاشته که در صورت امکان مهلتی برای اجرای این امر منظور دارند. اینک بلدیه اظهار می‌دارد که این استمهال چندین مرتبه به عمل آمده و بلدیه هم پذیرفته و دیگر موردی برای استمهال جدید باقی نمی‌ماند و تجدید استمهال فائده ندارد و بالاخره نمی‌توان برای یک امر ضروری حیاتی افراد مملکت این اندازه مهلت داده شود. چه آن که البته خودتان از مضّار مهلکهٔ این سم قاتل و خانه‌برانداز بخوبی مسبوق هستید که هر کس که به این بلیه دچار گردد چه عواقب وخیمی را برای خود و خانوادهٔ خود تهیه نموده است. وجداناً خود آقایان قهوه‌چی‌ها باید ساعی باشند که با کارکنان بلدیه در اجرای این منظور کمک و مساعدت بفرمایند. بنابراین تقاضای استمهال موردی نداشته و باید بر طبق دستور بلدیه رفتار شود.

امضا (ظاهراً) همایون سیاح
۶/۱۱/۱۲

شیر و خورشید
ادارهٔ تلگرافی دولت علیهٔ ایران
نمره کتاب ۶۸۴　　سنهٔ ۱۳۰۷

از شیراز به تهران نمرهٔ قبض ۵۹۷۵ نمرهٔ تلگراف ۴۰ عدد کلمات ۲۲۹ تاریخ اصل ۴، [۵] تاریخ وصول ۵/۵ [۱۳۰۷] اسم گیرنده هاشم

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته [الخ] عالی کپیه وزارت جلیلهٔ مالیه، آقای آقا سید یعقوب نماینده محترم فارس

قانون انحصار تریاک که از تصویب مجلس مقدس به طور برقی گذشت عن قریب با این وضعیات رشتهٔ ثروت و دارائی ملت را هم مثل برق معدوم خواهد کرد. ماها بنکدارهای شیراز، امساله به واسطه آفت وارده بر حاصل تریاک، تریاک گران وارد شیراز کرده‌ایم. استدعا داریم همان طور که در تبصرهٔ مادهٔ ششم تسهیلاتی برای معاملات کسانی که با خارجه دارند قائل شده‌اند تسهیلاتی برای معدوم نشدن استطاعت ما قائل شوید یا امر بفرمائید که از روی دفتر تجارتی که ماها تریاک وارد کردیم در هذه السنه مؤسسهٔ انحصار از ما خریداری کنند یا آن که امتداد مدتی به ماها بدهند که تریاک خود را به قسمی که خسارت متوجه ماها نشود به دیگری بفروشیم. بدیهی است که گذشتن هر قانونی از مجلس برای جلوگیری از خسارت ملت مدتی مهلت منظور بوده، حال هم استرحاماً، عطف توجهی به ما بیچارگان بفرمایید.

امضا: اکبر لاری، علی محمد توتونچی، عزیز توتونچی، توتونچی اقتصادی شمس، حسن سیستانی، خلیل بوشهری، نظر لاری، طالبان کازرونی، مصلائی میرحبیبی، غلامحسین عطار، ملک کازرونی، ایروانی فیروزآبادی، عطاران، اقتصاد بازرگانی، کتیرایی، مختاری، ابوالحسن تریاکچی، کریم، ابراهیم، مصطفی، عبدالرحیم تولکی، صادق توتونچی، حسن جلال، مصطفی اسلامی.

مهر: آرشیو کابینه ریاست وزراء

شیر و خورشید
وزارت مالیه
مؤسسه انحصار دولتی تریاک

www.noormags.ir

۷/۶/۱
۱۰۷
مهر: آرشیو کابینهٔ ریاست وزراء

ادارهٔ محترم کابینهٔ ریاست وزراء عظام

با اعاده عین عرض حال بی‌امضا، که طی $\frac{۲۲۷۱۹}{۷/۶/۳}$ به وسیلهٔ وزارت جلیلهٔ مالیه به این مؤسسه ارسال گردید محترماً اشعار می‌دارد:

چون قیمت تریاک بر طبق مادهٔ ۱۴ نظامنامهٔ موقتی اجرای قانون انحصار تریاک مصوبهٔ جلسهٔ هشتم مرداد ۱۳۰۷ هیئت وزرای عظام که عین آن ذیلاً درج می‌شود:

مادهٔ ۱۴ ـ مؤسسهٔ انحصار دولتی تریاک مکلف است کلیهٔ لوله‌های موجوده تریاک بی‌باندرل و دارای باندرل ۳۱ شاهی را به قیمت یک من (۶۴۰ مثقال) به سی و پنج تومان در نقاطی که زراعت تریاک می‌شود و ۳۷۰ تومان در ولایاتی که فاقد زراعت تریاک می‌باشد خریداری و وجه آن را به اضافهٔ قیمت باندرل ۳۱ شاهی نقداً بپردازد.

معلوم و معین گردیده لذا نسبت به این گونه اظهارات و تقاضاهای واصله نمی‌توان تأثیری داده و مخالف مقررات اقدامی نموده برای هر نقطه قیمت مخصوص قائل شد.

امضا صهبا رئیس کل مؤسسه انحصار دولتی تریاک

بوشهر به تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۰۷

عریضه به خاک پای جواهر آسای اعلی حضرت شهریاری ارواحنافداه

باکمال ادب و احترام معروض می‌داریم تجارتخانه‌های چاکران قبل از تصویب قانون انحصار تریاک هر کدام مقداری تریاک با تجار خارجه معامله و کنترات نموده‌ایم و پس از تصویب قانون انحصار، دو نفر از رؤسای تجارتخانه برای ارائهٔ اسناد و کنتراتها به طهران آمدند و در همان اوقات به خاک پای مبارک تشرف حاصل و مورد مراحم ملوکانه واقع گردیدند. تاکنون که قریب چهارماه است در طهران هستند و علاوه از این که از نبودن آنها در بوشهر خسارت زیادی به تجارتخانه‌های چاکران وارد آمده هنوز از طرف وزارت جلیلهٔ مالیه جواز معافی به آنها داده نشده و همین قسم در طهران معطل هستند. مؤسسهٔ انحصار با تحقیقات کامل تصدیق به صحت معاملات نموده است. ولی وزارت جلیلهٔ مالیه جواز نداده و معاملات چاکران دوچار وقفه و موجب خسارت غیرقابل تحمل شده است.

از اعلی حضرت همایونی که یگانه پدر تاجدار همهٔ ماها هستند و دقیقه‌ای از رعیت پروری غفلت نمی‌فرمایند، استدعای چاکران این است که امر ملوکانه صادر فرمایند که وزارت مالیه زیاده بر این آنها را در طهران معطل ننموده و جواز صادر فرماید. چاکران در این معاملات که نموده‌ایم فقط مبلغ جزئی در حدود حق العمل معمولی تجارتی منظور داشته‌ایم و تاکس[۱۰] قدیم صندوقی یکصد و پنجاه تومان هم می‌پردازیم و چنانچه بنا شود که تاکس جدید صندوقی پنجاه تومان بر معاملاتی که سابق کرده‌ایم تحمیل شود ـ گذشته از این که جزئی فایده‌ای که عاید می‌شود از بین می‌رود و خسارت هنگفت هم متوجه این چاکران می‌گردد ـ یقین داریم اعلی حضرت همایونی راضی نخواهد بود که به یک عده تاجری که در جایی مثل بوشهر زحمت می‌کشند و موجبات صدور مال التجاره ایران را فراهم و عایدات خزانهٔ دولت را زیاد می‌کنند ضرر و خسارت وارد شود. چاکران هیچ پناهی جز ذات اقدس همایونی نداریم و انتظار مراحم ملوکانه را داریم.

ظل عاطفت خسروانه بر مفارق انام مستدام و لایزال

چاکران: حاج محمدرضا کازرونی و مهر: حاجی سید محمدرضا کازرونی و پسران، بوشهر ۱۳۴۷، حاج

www.noormags.ir

محمد باقر بهبهانی و مهر: حاج غلامعلی وّ حاج محمد باقر بهبهانی بوشهر دورادور مهر با حروف لاتینی وسط مهر ناخواناست و درست نگرفته.
در پایان نامه، مهر ورود به کابینهٔ مستشار انحصار دولتی تریاک شماره ۸۲۶۴ تاریخ ۷/۱۰/۲۳ در کنار ورقه فی ۷ ـ ۱۰ ـ ۲۲ / وزارت جلیله مالیه کابینهٔ وزارت مالیه ۷/۱۰/۲۲، ۴۵۸۳۵، چند نفر از رؤسای تجارتخانه خود را به طهران فرستاده‌اند که جواز معافی تریاک اینها داده شود چهار ماه است مالیه آنها را معطل کرده.

کابینه محترم ریاست وزراء ۲۷/۹/۷
مؤسسه انحصار تریاک ۷/۱۰/۲۲

شیر و خورشید **به تاریخ ۱۳۰۷/۹/۵**
وزارت مالیه **نمره ۳۶۷۴۳**

مقام منیع ریاست وزراء عظام

مرقومهٔ محترمهٔ نمره ۵۳۱۸ راجع به آقایان حاج سید ابوالقاسم کازرونی و حاج محمدرضای بهبهانی موضوع معاملهٔ تریاک و معطلی آنها، شرف وصول داد. جواباً خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که مؤسسهٔ انحصار تریاک مدتی است نسبت به تقاضای آقایان اظهار عقیده و موافقت کرده است و این جانب استحضار هیئت محترم دولت را در این موضوع لازم دانسته و علت تأخیر همین بوده است. (و به خط دست ـ نه ماشین تحریر ـ اضافه شده: چون از جریان هیئت وزرا خاطر محترم مستحضر است دیگر توضیح را زاید می‌دانم).
مهر وزارت مالیه
مهر: ورود به کابینهٔ هیئت وزرا بتاریخ ۷/۹/۵ به شماره ۵۷۳۲/ به عرض می‌رسد/ آرشیو کابینه هیئت وزرا نمره ۱۰ ـ ۶/۳ $\frac{۸}{۴}$

شیر و خورشید **به تاریخ ۱۳۰۸/۱۰/۲۳**
کابینه ریاست وزراء **ضمیمه ۱**
نمرهٔ ۸۶۲۰

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام و دامت شوکته

سواد یک طغرا تلگراف شکایت‌آمیز که از گلپایگان به نظمیه مخابره شده لفاً تقدیم و ضمناً معروض می‌دارد: ادارهٔ نظمیهٔ مرکز و نظمیه‌های ولایات وظیفهٔ سنگینی را عهده دارند که با قلت مأمورین بایستی شب و روز اوقات خود را صرف انتظامات بلاد و امنیت محل و آسایش اهالی بنمایند، از طرفی تمام اجرائیات دوایر دولتی نیز به عهدهٔ مأمورین نظمیه است که آن هم اغلب اوقات مأمورین را مصرف داشته و بسا می‌شود که از وظائف مختصهٔ خود باز ـ می‌مانند. البته تصدیق خواهند فرمود با وضعیت و توسعهٔ فعلی شهر طهران که دو برابر سابق شده و ایجاد خیابانها و کثرت نفوس و واردین و خارجین شهر و ازدیاد وسایط نقلیه که مراقبت تمام آنها به عهدهٔ مأمورین پلیس می‌باشد، علاوه بر آن، دوایر جدیدالتأسیس که هر روز تقاضاهائی از نظمیهٔ مرکز و ولایات دارند که با قلّت مأمورین ولایات و ضیق بودجه انجام آن برای مأمورین خالی از اشکال نخواهد بود. مخصوصاً اجرائیات وزارت جلیلهٔ عدلیه و مؤسسهٔ انحصار که ادارهٔ نظمیهٔ مرکز و نظمیه‌های ولایات را دچار مشکلات کرده است. مثلاً از اجرای عدلیه تقاضای اجرای حکمی را می‌نمایند که اگر مأمورین کمیساری‌های مربوط در آن تأمل نمایند موجب شکایت وزارت جلیله عدلیه می‌شود و هرگاه فوراً اجرا نمایند نظر به مقتضیات محلی و ملاحظهٔ اشخاص شاید دوچار موانع و محظورات گردند که در این خصوص طریقهٔ اقدام و اجرای احکام وزارت معزّی الیها نظمیه را در مضیقه گذاشته از طرفی هم اجرائیات مؤسسهٔ انحصار از قبیل

www.noormags.ir

تفتیش خانه‌ها و دکاکین و جلب و توقیف اشخاص مخصوصاً کسانی که بی‌بضاعت هستند برای چند نخود تریاک بایستی مبلغی جریمه داده یا توقیف شوند، تمام اوقات کارکنان و مأمورین نظمیه را به خود مشغول داشته که از انجام وظایف قانونی بازمانده و قادر به ایفاء آن نمی‌باشند. مستدعی است عطف توجهی در این مورد فرمایند و لطمه‌ای به وظایف اساسی مأمورین نظمیه وارد نگردد و بعداً به واسطهٔ توقیف اشخاص به تقاضای مؤسسات انحصار طرف اعتراض عدلیه واقع نگردیده و اتفاقات سوئی که در حین تعقیب قاچاقچی و غیره به وجود می‌آید مسئولیت متوجه نظمیه ننمایند.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی سرتیپ محمد صادق کوپال

مواد شرح فوق به ضمیمهٔ مواد تلگراف از گلپایگان برای استحضار دفتر محترم مخصوص شاهنشاهی ارسال می‌شود.

مهر: کابینهٔ ریاست وزرا

حواشی: کابینهٔ ریاست وزرا ۲/ک ۱۲ $\frac{۵}{۳}$/ ضبط شود/ معلوم نیست مقصود از ارسال این شرح به دفتر چه بوده است/گویا فقط برای اطلاع دفتر مخصوص ارسال شده است.

شیر و خورشید

تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی **نمره ۲۳۲۵۶**

ادارهٔ کابینه

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

در تعقیب معروضه نمره ۲۳۱۴۱ مربوط به تقاضاهای دوایر دولتی در مرکز و ولایات از نظمیه و قلت مأمورین و ضیق بودجه اینک از نظمیهٔ اصفهان به وسیلهٔ تلگراف راپورت می‌دهند که حد وسط مستنکفین جریمهٔ قاچاق که در محبس بایستی توقیف شوند بیست نفر است و هیچ محلی برای خارج محبوسین مزبور باقی نیست و نظیر این تلگراف که سواد آن لفاً تقدیم می‌گردد، از پاره‌ای نظمیه‌های دیگر رسیده و می‌رسد که ادارهٔ نظمیه را دچار مشکلات کرده است. بعلاوه مطابق راپورت ادارهٔ پلیس مرکز مجرمین انحصار مرکز در صورتی که بی‌بضاعت باشند یا از تأدیهٔ وجه جریمه استنکاف نمایند، به دستور شفاهی رئیس کل انحصار یا یادداشت کتبی رئیس ایالتی به امضای صاحب منصب پلیس که مأمور اجرائیات انحصار است برای مدت معینی برای توقیف به محبس اعزام می‌دارند و چون این اقدام مخالف قوانین جاریه و ممکن است تولید مسئولیت برای صاحب منصب مزبور و ادارهٔ پلیس فراهم نماید همچنین تقاضای اجرائیات انحصار تریاک و دوایر عدلیه روزافزون و محبوسین آنها رو به تزاید گذاشته است مستدعی است امروز مقرر فرمایند تکلیف اداره نظمیهٔ مرکز و نظمیه‌های ولایات را در این قبیل موارد معین نموده و اعلام دارند که مسئولیت قانونی متوجه نظمیه نشده و موجب شکایت نظمیه‌های ولایات نگردیده رفع نگرانی از هر حیث بشود.

رئیس کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی سرتیپ محمد صادق کوپال.

در حاشیه و در حقیقت در صفحهٔ دوم نامه:

آنچه راجع به مسئولیت قانونی است اگر چه از طرف وزارت عدلیه باشد چه از طرف وزارت مالیه مسئول است و بر مجری که نظمیه باشد بحثی نیست. اما در باب مخارج محبوسین آنها که چیزی دارند خودشان بدهند و کمتر واقع می‌شود که هیچ نداشته باشند و در موارد شاذ باید نظمیه هر طور هست تا آخر سال تدبیری کند و از برای سال نو در بودجه پیش بینی نمایند و ممکن است با وزارت خانه مربوطه خصوص مالیه که محل قاچاق دارد مذاکره نمایید مخارج را خودشان بدهند. ۸/۱۰/۲۳[۱۳۰]

زیر این شرح: ۸/۱۰/۲۴ ۸۷۶۴ که روی مهر کم‌رنگی آمده و مهری دیگر: ورود به کابینهٔ ریاست وزرا ۲ ـ ۱/ک ۱۲ $\frac{۵}{۳}$

www.noormags.ir

وزارت داخله (به صورت قوس دور)
شیر و خورشید
تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی

به تاریخ ۱۳۰۸/۱۰/۳۰ نمره ۲۳۹۸۴

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکتهم

در جواب مرقومهٔ محترمهٔ نمرهٔ ۸۷۶۴، مربوط به تقاضای انحصار تریاک در اخذ جریمهٔ قاچاق تریاک که مرقوم فرموده‌اند، آنچه راجع به مسئولیت قانونی است، آمر چه از طرف وزارت عدلیه باشد چه از طرف مالیه مسئول است و بر مجری که نظمیه باشد بحثی نیست. معروض می‌دارد نظر به این که اغلب مجرمین قاچاق را به واسطهٔ عدم استطاعت یا علل دیگر از تأدیه وجه جریمه استنکاف داشته و ضامن هم ندارند برای توقیف به محبس می‌فرستند و چون قرار توقیف قانوناً بایستی از طرف مستنطقین و پارکه‌های محاکم صالحه باشد و بر طبق قانون هیچ کس صلاحیت حکم توقیف اشخاص را جز محاکم عدلیه و پارکه‌ها ندارند، در این موضوع ممکن است مسئولیت متوجه نظمیه شود، زیرا نظمیه فقط حق جلب و تحقیق مقدماتی دارد. حکم توقیف از عدلیه و محاکم مربوط است. این است که اغلب نظمیه‌های ولایت در این خصوص کسب تکلیف نموده و می‌نمایند. بسا می‌شود که شعبات انحصار در ولایات وصول جرایم قاچاق را جداً از نظمیهٔ محل مطالبه می‌کنند و اغلب هم به علل فوق الذکر وجوه جرایم بلاوصول مانده و موجب شکایت مؤسسهٔ انحصار می‌شود. مستدعی است امر و مقرر فرمایند تکلیف قانونی نظمیه را تعیین نموده و اعلام دارند که دچار مشکلات نشود.

رئیس کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی سرتیپ محمد صادق کوپال

مهر: ورد به کابینهٔ ریاست وزرا بتاریخ ۸/۱۱/۲ نمره ۸۹۰۵

مهر: آرشیو کابینهٔ ریاست وزراء ۳ ـ ک ۱۲ $\frac{۵}{۳}$

به عرض می‌رسد ۸/۱۱/۱ هیئت ۸۰/۱۱/۵/ ضبط شود ۹/۲/۶

به تاریخ ۲۵ شهر رجب ۴۹ از سبزوار

مقام منیع هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم

محترماً به عرض عالی می‌رسانم در موضوع انحصار تریاک به یک نفر و از بین رفتن حقوق چندین هزار نفر که داد و ستد آن را در داخله مملکت داشته و امرار معاش می‌نموده‌اند و تریاک موجوده که گران خرید و از سال قبل واسطهٔ اضافه شدن تاکس موجود است به فروش نرسیده به خراسان به خاک پای اعلی حضرت همایونی روحنافداه عرض حال نموده توسط ایالت جلیلهٔ محترم شرحی جواب تلگراف در تحت نمره ۱۰۵۱۹ رسید که کسانی که تریاک موجود دارند می‌توانند از ادارهٔ انحصار جواز صادر و تریاک خود را خارج نمایند که خسارت به قیمت وارد نشود. از ادارهٔ انحصار سبزوار تقاضائی جهت اجازهٔ طیاری چونه و صدور جواز گردیده اشعار می‌دارند اجازهٔ صدور جواز به احدی داده نمی‌شود و طیاری چونه هم هرکس مایل باشد باید از مرکز ایالتی به عمل آید. خیلی اسباب یأس گردیده با این حالت کنونی که عدم کسب و تجارت تمام مملکت را فراگرفته و یک قلم عمدهٔ صادرات منحصر به یک نفر شده خوب است تفضلاً چاره برای تریاک موجوده فرموده و اجازهٔ صدور به خارجه صادر که مال موجودی خود را به مصرف برسانیم. دیگر این که در موضوع طیاری چونه مؤسسهٔ انحصار سبزوار اشعار می‌دارد در محل ممکن نیست. طبق مقررات باید در مرکز ایالتی به عمل آید. خیلی جای تعجب است که برعلیه منافع عمومی اقدام فرموده چگونه ممکن است مالی که باید به اصفهان [و] شیراز حمل شود، ۴۰ فرسخ از سبزوار به مشهد حمل شود ۴۰ فرسخ برگردد. کلی تفاوت کسری شیره، کرایه و عوارضات دیگر تحمیل می‌شود. سابقاً این طور نبود. در صورتی که در محل یا مرکز ایالتی تحت نظر مؤسسهٔ انحصار به عمل می‌آید چه فرقی دارد و تحمیلات بی‌مورد است. با این که هیئت محترم دولت مساعی لازمه به کار

www.noormags.ir

می‌برند، امکاناً امتعهٔ داخله مناسب تمام شود که به بازارهای خارجه صرف نماید تصور می‌کنم این عدم اجازهٔ طیاری چونه در محل برخلاف نظریات دولت محترم امروزه است. تمنا می‌شود از هیئت محترم دولت جواب مساعدی که بموجب رفاه و رفع خسارت دارندگان تریاک باشد بفرمایند که از ضرر و خسارت مال موجود آسوده شویم. تجار سبزوار: مهر

عبدالواسع العلوی، سبزوار شرکاء، محمد حسین بن سلطان، خلیل بن محمود، اصغر اسکوئی‌زاده ۱۳۴۵، یا ابا عبدالله ادرکنی او چند مهر دیگر که درست نگرفته و ناخواناست و نقش مهر مانند با نوشته: معتمدان سبزوار|

شیر و خورشید

وزارت مالیه

مؤسسهٔ انحصار دولتی تریاک

مراسلهٔ مؤسسه کل نمره ۲۴۹۷۵ مورخه ۱۳۰۹/۹/۱۸

شرکت سعادت و سایر آقایان تجار تریاک مشهد

در جواب تلگراف مورخهٔ ۱۰ آذر آقایان دایر به تقاضای اجازهٔ خروج تریاک چونه که برای صدور به خارج تهیه نموده‌اند اشعار می‌دارند که اولاً معاملات شیره و چونه در داخلهٔ مملکت آزاد و هیچگونه اجباری به فروش به شخص معین نیست و در موقع انعقاد قرارداد، نه تنها آقایان تجار مشهد، بلکه سایر آقایان تجار مملکت نیز دارای موجودی چونه بوده که اگر معاملات سلفی داشته‌اند از تاریخ نشر اعلان تا ۱۵ روز اسناد و مدارک معامله را به انحصار محل برای ارسال به مرکز و تصدیق صحت معامله و اجازهٔ صدور تحویل داده‌اند، بنابراین اگر شما هم اسنادی داده باشید، البته پس از رسیدگی، به شما جواز داده می‌شود والّا در انجام تقاضای برخلاف اعلان معذور است و این که اظهار کرده‌اند معاملات تریاک آن حدود طوری نیست که مبادلهٔ قرارداد شود، البته در صورتی که مبادلهٔ **قراردادی** نشده ایجاد تعهدی هم از حیث معاملات سلفی برای شما نشده است و اگر برای تیاری چونه مخارجی کرده‌اید از بین نرفته و بر قیمت جنس شما افزوده شده است و هیچ گونه خسارتی متوجه شما نخواهد شد وانگهی برای صدور هم می‌توانید به آقای حاج امین، عامل انحصاری صدور تریاک به خارجه، مراجعه و در حدود مقررات و تعهدات ایشان وسائل خروج تریاک را فراهم نمائید.

وزارت مالیه همایون سیاح (امضاء)

سواد مطابق اصل است

؟ انواری ۱۳۰۹/۱۰/۲۷

شیر و خورشید — **به تاریخ ۱۳۰۹/۱۱/۲**

وزارت مالیه — **نمره ۴۰۰۴۳**

ادارهٔ تریاک

مقام منیع ریاست وزراء عظام

در جواب مرقومهٔ نمرهٔ ۶۷۷۲ ـ ۹/۱۰/۶ متضمن مشروحهٔ تجار سبزوار راجع به عدم صدور جواز و اجازهٔ تیاری، خاطر محترم را مستحضر می‌دارد.

۱ ـ راجع به عدم صدور جواز، سواد مراسله‌ای که به نمره ۳۷۰۰۲ ـ ۹/۹/۱۸ به تجار خراسان صادر شده برای مزید استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌دارد.

۲ ـ نسبت به قسمت عدم اجازهٔ تیاری، با این که رئیس انحصار خراسان که به مرخصی به تهران آمده اظهار

www.noormags.ir

می‌نماید اجازهٔ تیاری در سبزوار داده شده مع ذلک مراتب از انحصار دولتی تریاک خراسان استعلام شد. پس از وصول چگونگی قضیه را معروض خواهد داشت. در خاتمه عین عرض حال آقایان تجار سبزوار نیز اعاده می‌دهد.

امضا مهر: وزارت مالیه.

به عرض برسد ۹/۱۱/۲ جواب عارض است ۹/۱۱/۴

مهر: ورود به کابینهٔ وزرا به تاریخ ۹/۱۱/۳ نمرهٔ ۷۵۶۸

هیئت وزرا

کمیسیون مشورتی تریاک جامعهٔ ملل در بیست و یکمین جلسهٔ خود لزوم تشکیل کنفرانسی را به منظور تحدید زراعت و تجارت ادویهٔ مخدره ضروری دانسته و برای فراهم آوردن اطلاعات لازمه سئوالنامه‌هایی به عنوان کشورها فرستاده و تقاضای جواب کرده است. گرچه بدواً جواب پرسشنامهٔ کمیتهٔ مذکور از این نظر که بالنتیجه مربوط به مواد اولیهٔ تریاک می‌شد عقیم ماند و به آقای پیلوسیان نمایندهٔ فنی تریاک که سمت نمایندگی دولت شاهنشاهی را در جامعهٔ ملل راجع به امور تریاک دارند تذکر داده شد که دولت شاهنشاهی عقیده به مشارکت در کنفرانس تحدید زراعت و یا تجارت ادویهٔ مخدره که در سال ۱۹۳۸ منعقد می‌شود ندارد، لیکن آقای ورام پیلوسیان در گزارشهای ارسالی خود برای جواب دادن به سئوالات کمیتهٔ مرکزی تریاک و عذر حضور از مشارکت در کنفرانس مزبور چنین اظهار نظر داشته‌اند.

با حال آن که دولت شاهنشاهی قراردادهای ژنو و لاهه را تصویب ننموده و هیچگونه تعهدی که منجر به وارد کردن لطمه به وضع اقتصادی و تجاری تریاک باشد به هیچ وجه نکرده است لیکن چون از طرف دیگر نسبت به مبارزه برعلیه تریاک و تحدید زراعت و تجارت و استعمال آن، چه با وضع قوانین و مشارکت در کنفرانسهای لاهه و ژنو و چه با قبول اصول مبارزهٔ بین‌المللی برعلیه تریاک و سایر ادویهٔ مخدره همیشه در اقدامات جامعهٔ ملل اشتراک مساعی نموده است لهذا خوش‌آیند نیست و نمی‌توان برخلاف رویه که از سال ۱۹۰۸ مورد توجه دولت شاهنشاهی در اشتراک مساعی بین‌المللی بود حال به سئوالنامه‌های کمیتهٔ مذکور که ایجاب و الزام هیچ گونه تعهدی برای دولت شاهنشاهی نمی‌کند جواب منفی داد.

اما راجع به عدم مشارکت دولت شاهنشاهی در کنفرانس ۱۹۳۸ ایشان معتقدند نظری را که در ماه مه ۱۹۳۶ در بیست و یکمین جلسهٔ کمیسیون مشورتی اظهار داشته‌اند مبنی بر این که اطلاعات لازمه برای تشکیل کنفرانس تا سال ۱۹۳۸ تکمیل نخواهد شد همان نظر طبق دستور توسط نمایندگی شاهنشاهی در ژنو تأیید شده و به کمیتهٔ مذکور اطلاع داده شود «مادام که اطلاعات لازمه از کلیهٔ کشورهای دارای زراعت تریاک در ادارات مربوطهٔ جامعه ملل جمع‌آوری نشده دعوت کنفرانس به نظر دولت شاهنشاهی بی‌موقع است.

وزارت مالیه با نظریهٔ آقای پیلوسیان، چه راجع به جواب پرسش نامهٔ کمیتهٔ مرکزی دائمی تریاک که اصل آنها پیوست است و چه در خصوص عذر حضور از مشارکت در کنفرانس ۱۹۳۸ موافقت دارد و با تأیید نظر ایشان مراتب را گزارش نمود تا موضوع را مورد توجه قرار داده و از تصمیمی که اتخاذ خواهند فرمود وزارت مالیه را مستحضر سازند.

در خاتمه اضافه می‌نماید که چنانچه مستحضر می‌باشند علاوه بر اقداماتی که تا به حال در خصوص تحدید استعمال ادویهٔ مخدره و زراعت تریاک چه با وضع قوانین و مقررات و چه با سایر اقدامات صحی به عمل آمده است در سال گذشته هم کشت تریاک در بعضی از ولایات ممنوع و در تمام نقاط دارای محصول محدود شده است و البته این تحدید کشت به لحاظ اشتراک مساعی بین‌المللی و تأمین منویات جامعهٔ ملل حائز کمال اهمیت می‌باشد.

کفیل وزارت مالیه (امضاء)

www.noormags.ir

شیر و خورشید
دفتر نخست وزیر

شمارهٔ عمومی ۱۳۶۱۹
تاریخ نوشتن ۱۲/۶/۲۲ تاریخ پاکنویس ۶/۲۴، تاریخ ثبت ۲۲/۶/۲۹
وزارت دارایی

اهالی آبادان در شکایت از بسته شدن شعبات فروش تریاک و کمی میزان جیره‌بندی تریاک شرحی نوشته که عیناً برای رسیدگی و اعلام نتیجه به ضمیمه ارسال می‌شود.
امضا (؟)، امضا (؟) نخست وزیر

۲۲/۶/۸

حضور محترم ریاست ادارهٔ نخست وزیری

با کمال احترام به عرض انور عالی می‌رساند این جانبان ۱۷۰۰۰۰ نفوس اهالی آبادان که اقلاً ۷۰۰۰۰ آن معتاد به بلای خانمان سوز تریاک می‌باشیم، اینک چند یوم است که شعبات فروش تریاک از طرف ادارهٔ دارائی بسته و شهری که دارای ۲۴ شعبه بوده الحال منحصر به یک شعبه شده صرف نظر از این، مقدار تریاکی را هم که به یک نفر شخص معتاد می‌دهند به مقدار نیم گرم می‌باشد. لابد تصدیق خواهید فرمود شخصی که مقدار مصرف تریاک روزانه‌اش به طور متوسط در هر یومی ۵گرم می‌باشد اگر از مقدار فوق کمتر کشید عضلات بدنش سست و این سستی باعث می‌شود که در آن یوم از کار کناره‌گیری و باعث بدبختی عائلهٔ چند نفره او که کلیةً فاقد دارائی می‌باشند می‌شود و علاوه بر این معتاد بودن، اهالی بیشتر به واسطهٔ منطقهٔ جغرافیایی و ندانستن مضرات تریاک بوده

الف ـ به واسطهٔ مربوط بودن هوا
ب ـ به واسطهٔ کارهای خسته کننده در شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران
ج ـ به واسطهٔ معتاد بودن اولیای ما

اینک با عطف توجه به عرایض فوق چون ما ۷۰۰۰۰ نفوس معتاد و ترک کردن آنی آن هم زیادی محال وسائل ترک آنها به علل زیر برای، غیرممکن است:

الف ـ به واسطهٔ نبودن ترک تریاک صحیح
ب ـ گران فروختن آن به وسیلهٔ داروفروشها
ج ـ نبودن به حد امکان
د ـ نداشتن بودجه اضافی از خرج یومیه برای تهیهٔ آن.

لهذا از آن مقام محترم، کلیهٔ ما معتادین تقاضای عاجزانه می‌نمائیم که عطف توجهی به ما بیچارگان از دست رفته فرموده امر مقرر فرمائید که وسایل مصرف تریاک، اهالی کارگر و فقیر را فراهم و در ضمن وسائل ترک آن را هم با عایدات جزئی مهیا تا الحال خود و عائلهٔ فقیرمان از دست نرفته و بعداً هم با وسایل ممکن ترتیب نمائیم لابد از بذل توجه نسبت به ۷۰۰۰۰ نفوس از دست رفتهٔ کارگر و رنجبر دریغ و مضایقه نخواهید فرمود.

با تقدیم احترامات فائقه از طرف ۷۰۰۰۰ نفوس: محمد روشندل

مهر وزارت دارائی
مهر: ورود به دفتر ادارهٔ کل تریاک
ادارهٔ مراسلات و بایگانی
به وزارت دارائی نوشته شود ۲۲/۶/۲۰،
۱۳۶۱۹ ـ ۲۲/۶/۲۱

www.noormags.ir

شیر و خورشید
وزارت دارائی
قسمت اقتصادی

به تاریخ ۱۳۲۲/۷/۱۷
شمارهٔ ۲۱۸۴۰
نخست وزیری

موضوع شکایات معتادین آبادان

در پاسخ نامهٔ شمارهٔ ۱۳۶۱۹ با اعادهٔ عین شکایت معتادین آبادان اشعار می‌دارد:

به طوری که خاطر عالی مستحضر است طبق تصویبنامه شمارهٔ ۲۳۷۱۰ ـ ۲۲/۶/۳ باید به تدریج از تریاک مصرف داخلی کاسته شود، اخیراً بدین منظور اقدام به جیره‌بندی تریاک در تمام کشور شده و به دارائی شهرستانها دستور داده شده است که به هر معتاد به خوردن روزی نیم گرم و کشیدن دو گرم و نیم تریاک داده شود و در کلیهٔ شهرستانها هم شروع به اجرا شده و عمل دارائی آبادان هم بر طبق دستور بوده و شکایت معتادین بی‌مورد است.

از طرف وزیر دارائی دکتر (؟)
رئیس کل دارائی میلیسپو
مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا

۲۲/۷/۲۰ ـ ۱۵۳۲۲

سابقه ۲۲/۷/۲۰ آقای صدیقی ۲۲/۷/۲۳ بایگانی شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

پانوشتها

۱ ـ گلستان سعدی، باب اوّل (در سیرت پادشاهان)، ص ۲۹، چاپ نشر محمّد، انتشارات امین.
۲ ـ هپیون، صورت دیگری است از افیون و هر دو مأخوذ از Opium.
۳ ـ احسن التّواریخ حسن بیک روملو، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۷۴.
۴ ـ تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر فیاض، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۰، ص ۸۰۴.
۵ ـ برای اطلاع بیشتر، نگاه کنید به «سفرنامهٔ تاورنیه»، ترجمهٔ ابوترانجان نظم الدّوله، ص ۹۳۳، «ایران و جهان»، عبدالحسین نوایی، نشر هما، جلد ۲، ص ۷۱۵ تا ۷۲۰ و «تاریخ تریاک و تریاکی»، حسین کوهی کرمانی، مقالهٔ تریاک از ابوالقاسم طاهری (مجلهٔ یغما، سال ۱۳۴۵) و مقالهٔ تریاک از محمّد جعفر محجوب (مجلهٔ یغما: اردیبهشت ۱۳۴۶ و «عالم‌آرای عباسی» اسکندر بیک ترکمان، چاپ ایرج افشار، ۱۳۳۴، امیرکبیر، ص ۲۱۸.
۶ ـ المآثر و الآثار محمّد حسن‌خان اعتمادالسّلطنه، چاپ سربی از ایرج افشار، ج ۱.
۷ ـ Office.
۸ ـ فارسنامهٔ ناصری: حاج میرزا حسن فسایی، چاپ سنگی، ۱۳۱۲ هـ. ق. ج ۲، ص ۴۵.
۹ ـ «ایران و قضیهٔ ایران»، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، ص ۵۹۵.
۱۰ ـ Taxe، به معنای قیمت، بها، عوارض، مالیات.

www.noormags.ir